



تأثیر فقر بر افزایش آسیب‌های اجتماعی

محمد ابراهیم شمس ناتری*

امیر باستانی**

چکیده:

در این مقاله از زاویه دید جرم‌شناسی، خصوصاً جامعه‌شناسی جنایی، نظری به فقر افکنده؛ تأثیر آن را بر افزایش آسیب‌های اجتماعی مورد کاوش قرار داده‌ایم. تردیدی نیست که کاستن از آسیب‌های اجتماعی در هر جامعه، در گرو شناخت عوامل مؤثر در بروز آن‌ها است. بدون شناخت این عوامل نمی‌توان برنامه مناسبی برای سالم‌سازی اجتماعی ترسیم و اجرا نمود. هرگز نمی‌توان به رابطه علیت تامه بین یک عامل اجتماعی و آسیب دست یافت و شاید هیچ پدیده اجتماعی به تنهایی آسیب‌زا نباشد، بلکه اقتران چندین عامل و نیز ضعف سیستم کنترل درونی و بیرونی به انحراف یک شخص می‌انجامد، از این رو ما فقر را تنها به عنوان عاملی که می‌تواند در صورت تحقق عوامل دیگر؛ به جرم منتهی شود، مورد بررسی قرار داده‌ایم.

کلید واژگان: فقر، انحراف، آسیب‌های اجتماعی و اضطراب

* دانشیار پردیس قم دانشگاه تهران E-mail: Shams@ut-cq.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی پردیس قم دانشگاه تهران E-mail: abastani.law@gmail.com

مقدمه:

در این گفتار مختصراً فقر را از منظر جرم‌شناسی یا جامعه‌شناسی جنایی مورد بررسی قرار می‌دهیم. «جامعه‌شناسی جنایی که از علوم اساسی جرم‌شناسی است، علمی است که درباره عوامل و شرایط اجتماعی جرم‌زا، صور گوناگون بزه و جنبه‌های کمی و کیفی آن، پیدایش فرد یا گروه‌های جامعه ستیز در میان جوامع انسانی با روش عینی و علمی یا مشاهده و مقایسه با کمک آمار جنایی؛ به بررسی و تحقیق می‌پردازد...» (کی‌نیا، ۱۳۷۰، ج ۲: ۳۷)

طبق تعریف: آسیب‌های اجتماعی، به هر نوع رفتاری گفته می‌شود که برخلاف هنجارها و فرم‌های اجتماعی از فرد سرزده و کارکرد وی را مختل می‌کند و به تبع آن کارکرد خانواده و جامعه را تحت شعاع قرار می‌دهد (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۵۲۴) و یا می‌توان گفت آسیب‌های اجتماعی، به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می‌شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام جامعه قرار نمی‌گیرد و در نتیجه با منع قانونی یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبرو می‌گردد (عبداللهی، ۱۳۸۱: ۱۵). با نگاهی به این تعاریف، می‌توان به ابعاد وسیع، گسترده و سیر رو به رشد آسیب‌های اجتماعی پی برد.

در کشور ما ایران؛ در سال‌های اخیر به دلیل مسائل و پدیده‌های مختلف، همچون سیر تحول بسیار پرشتاب، جمعیت جوان کشور (یکی از جوان‌ترین جمعیت‌های جهان)، عدم وجود برنامه مناسب برای کنترل آسیب‌های اجتماعی، نداشتن مدیریت برای تحصیل کردگان متخصص در زمینه‌های مختلف آسیب‌های اجتماعی، روابط پیچیده اجتماعی،

اداری، اقتصادی و نیز ده‌ها علل متعدد دیگر، شاهد رشد روز افزون آسیب‌های اجتماعی هستیم.

در همین راستا برای برنامه ریزی علمی و مبتنی بر واقعیات جامعه؛ لازم است با توجه به امکانات دولت و ظرفیت جامعه، علل مؤثر بر افزایش آسیب‌های اجتماعی شناسایی گردد و پیرامون آن برنامه ریزی دقیقی صورت گیرد. فقر به عنوان یک پدیده اجتماعی چه در گذشته و چه امروز، به وجود آورنده بسیاری از مسائل و مشکلات اجتماعی بوده است. عنوان فقر گر چه یک پدیده واحد و مستقل را تداعی می‌کند، اما در اصل و ساختار خود به صورت یک کل تجلی می‌یابد و در آن بسیاری از پارامترهای اجتماعی همچون: پایگاه اجتماعی و طبقه اجتماعی، محیط و وضعیت اقتصادی، بافت فرهنگی و بروز حوادث و حتی فجایع غیر قابل انتظار؛ دخیل می‌باشند.

قطعاً ناصواب است که انحراف را مجرد از منحرف و عوامل انحراف ساز بررسی کنیم و به نفس عمل توجه نموده، علت‌ها را مجاز شماریم و معلول‌ها را محکوم سازیم و به شخصیت، رفتار، محیط رشد و تربیت او توجهی نکرده، تلاش نکنیم که دریابیم عواملی که باعث نگون بختی او شده و او را در سرراشایی هولناک انحراف رها کرده است، چیست.

حتی اگر کیفر را وسیله اصلاح مجرم (منحرف) بپنداریم؛ تا زمانی که زمینه‌های ارتکاب جرم و عوامل جرم‌زا را از میان نبرده‌ایم؛ روز به روز شاهد توسعه جرایم، جنایات و ناکامی‌ها خواهیم بود.

۱- رابطه میان عوامل اجتماعی مختلف و آسیب‌های اجتماعی

برخی از آسیب‌های اجتماعی با مفهوم جرم یکسان است. اما همه آسیب‌ها جرم

تلقی نمی‌شوند. آسیب‌های اجتماعی پدیده‌های اجتماعی هستند که عوامل و وقایع اجتماعی متعددی در بروز آن نقش ایفاء می‌کنند که در جامعه‌شناسی جنایی با استفاده از متدلوژی و روش تحقیق خاص، هر واقعه اجتماعی، برای کشف حقیقت و دریافت رابطه علیت بین آن واقعه و جرم مورد بررسی قرار می‌گیرد. شاید بتوان گفت هیچ عامل اجتماعی به تنهایی سبب انحراف نمی‌گردد، بلکه اقتران چندین عامل در یک شخص؛ موجب رفتار منحرفانه در وی می‌گردد. وانگهی به علل مختلف؛ نمی‌توان در کشف رابطه علی و معلولی و یا به تعبیری؛ همبستگی بین یکی از عوامل اجتماعی و انحراف به قاعده‌ای جزمی دست یافت. به طور خلاصه می‌توان گفت به دلیل وجود عوامل ذیل نمی‌توان درباره تأثیر تشدید انحراف یک عامل اجتماعی به طور جزمی و قطعی سخن گفت (کی‌نیا، ۱۳۷۰، ج ۲: ۲۵۴).

الف- عوامل انحراف را متعدد و متکثرند و نحوه تأثیرگذاری اقترازی آنها بسیار متنوع و پیچیده است و هرگز در اختیار پژوهشگر نیست که عاملی را از دیگری تفکیک کند، تا سهم استقلاللی یک عامل را در ایجاد بزه دریابد، چنانکه نمی‌تواند در ترکیب عوامل اجتماعی تغییر ایجاد کند.

ب- برای کشف رابطه علیت بین عوامل اجتماعی و انحراف نمی‌توان از تجربه و آزمایش که خاص علوم تجربی و اجتماعی است بهره‌مند شد؛ چه آنکه موضوعاتی چون قتل، سرقت، جنایت، اعمال منافی عفت، کلاهبرداری، جعل، جاسوسی و مانند آن را نمی‌توان در آزمایشگاه تجربه نمود.

پ- اگر چه وقایع جنایی دارای

عناوین واحد هستند؛ ولی عمل هر منحرفی را نمی‌توان با عمل منحرف دیگر یکی دانست. به دلیل اینکه عمل منحرف از انسان های مختلف و در شرایط مختلف حتی شرایط زمانی و مکانی متمایز؛ سر می‌زند (مبانی جرم‌شناسی، دکتر مهدی کی‌نیا، ج ۲، مبحث روش تحقیق در جامعه‌شناسی جنایی).

۲- تعریف انواع فقر (Poverty) و جایگاه آن در میان منابع مذهبی

جامعه‌شناسان، فقر را معیاری برای سنجش عدالت اجتماعی در یک جامعه مفروض می‌دانند، و اقتصاددانان میزان درآمد افراد یا خانواده‌ها و یا به عبارت دیگر میزان درآمد سرانه را شاخصی برای اندازه‌گیری فقر و غنی بودن افراد یک جامعه در نظر می‌گیرند.

در فرهنگ معین فقیر به معنی «تهیدست، تنگ دست، و محتاج آمده است». در فرهنگ لاروس فرانسه ذیل واژه فقیر (Pauvre) «فقیر را به مفهوم کسی که منابع، اموال و پول کمی در اختیار دارد و یا فردی که تولید کم و ناکافی داشته باشد تعریف کرده و فقر را وضعیت کسی یا فردی می‌داند که فقیر است».

در بسیاری از فرهنگ‌های لغت؛ فقر را به معنی عدم تکافوی ضروریات زندگی تعریف کرده‌اند که این ضرورت‌های زندگی در جوامع گوناگون و در زمان‌های مختلف معیار و اندازه مشخص و معین داشته و یکسان و یکنواخت نمی‌باشد. حتی در میان گروه‌های گوناگون یک جامعه مشخص نیز ابعاد متغییری را دارا است، بدین سان ارائه تعریف جامع و مانع، مانند بسیاری از تعاریف جامعه‌شناسی ممکن نیست. ناگزیر محققین با توجه به زمینه‌های

تحقیق به ضوابط و شاخصه‌هایی مانند مصرف روزانه کالری، درآمد سرانه، مساحت سرپناه افراد خانواده، میزان سرمایه سرانه مصرف مواد غذایی و پوشاک، میزان برخورداری از آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، تفریح و اوقات فراغت و غیره روی آورده‌اند تا بتوانند گروه‌های غنی را از فقیر متمایز سازند (مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی، ۱۳۷۶: ۳۸۱).

تقسیم‌بندی انواع فقر (کنت، ۱۳۷۱: ۲۲) و (شیخاوندی، ۱۳۷۸: ۱۹۸)

فقر را می‌توان در حالت‌های مختلف به دسته‌های گوناگون تقسیم‌بندی کرد:

الف) از نظر زمانی: فقر دائمی، فقر موقتی

ب) از نظر ابعاد وسعت: فقر موردی و فقر فراگیر

ج) از نظر کیفیت: فقر مادی و فقر معنوی

د) از سایر جهات: فقر فرهنگی، فقر اجتماعی، فقر غذایی، فقر مطلق و فقر نسبی

فقر در آیات قرآن:

از متون دینی به خوبی می‌توان استفاده کرد که فقر برای پاره‌ای از انسان‌ها می‌تواند سبب تکمیل و تهذیب نفس و تصفیه اخلاق گردد، چنانکه در روایت آمده است که «ان الله اذا احب عبدا غتّه بالبلاء غتّا»، خداوند وقتی که بنده‌ای را دوست بدارد، او را در شدائد غرق می‌کند. همچنین این نکته از گفتار دانشمندان نیز استفاده می‌گردد. روسو در کتاب امیل چنین آورده است: «اگر جسم زیاد در آسایش باشد، روح فاسد می‌شود. کسی که درد و رنج را نشناسد، نه لذت شفقت را می‌شناسد و نه حلاوت

ترحم را. چنین کسی قلبش از هیچ چیز متأثر نخواهد شد و بدین سبب قابل معاشرت نبوده مانند دیوی خواهد بود در میان آدمیان» (به نقل از قربانیان، ۱۳۸۰: ۴۵).

از سوی دیگر در قرآن کریم فقر عاملی منفی و غنا امری مثبت تلقی شده است و فقر به عنوان یک حالت اضطراری فرض شده که باید رفع گردد، لذا می‌بینیم خداوند به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «ووجدك عائلاً فأغنى» (سوره ضحی، ۹۳، ۸)، «خداوند تو را فقیر یافت پس توانگر کرد». گویا خداوند به پیامبرش منت می‌گذارد که او را از حالت فقر درآورده است و غنی ساخته است. جالب توجه این است که در آیه‌ای در همین سوره می‌فرماید: «ووجدك ضالاً فهدى» (سوره ضحی، ۹۳، ۷)، «خداوند تو را گمراه یافت سپس هدایت کرد». اگر ضلالت چیزی خوبی است؛ فقر هم چیزی خوبی خواهد بود.

برای ضد ارزش بودن فقر برای فرد و جامعه همین بس که شیطان وعده آن را می‌دهد، همان شیطانی که همراه با وعده به فقر، امر به فحشا می‌کند: «الشیطان يعدكم الفقر ویامرکم بالفحشاء» (سوره بقره، ۲، ۲۶۸)، شیطان شما را از فقر می‌ترساند و دستور به امر ناشایست می‌دهد.

در هیچ آیه‌ای از آیات قرآن کریم، فقر به عنوان امر مثبت معرفی نشده است و اگر می‌بینیم در بعضی آیات، فقراء و مستمندان مورد تمجید قرار گرفته‌اند این تمجید به خاطر فقر آنها نیست؛ بلکه به خاطر ارزش‌های انسانی است که آنها داشته‌اند.

آثار فقر در روایات:

در روایات اسلامی، آثار و نتایج

بسیار بدی بر فقر مترتب شده است که حکایت از نامطلوب بودن فقر برای فرد و جامعه دارد که در اینجا آنچه متناسب با موضوع بحث است بیان می شود:

الف- امام صادق (ع) از رسول اکرم (ص) نقل فرموده اند که: «کاد الفقر ان یکون کفراً» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق. ج ۲: ۷۹: ۲۶). در حدیث دیگر از آن حضرت نقل شده که فرموده است: «لولا رحمه ربی علی فقراء امتی کاد الفقر ان یکون کفراً» (همان، ج ۷۲: ۱۷: ۵۸).

علامه مجلسی در ذیل «کاد الفقر» می نویسد این روایت مشهور بین عامه و خاصه است و در آن نکوهش بزرگ نسبت به فقر است.

سیدیر صیرفی می گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: پیغمبر اسلام (ص) وقتی توسط جبرئیل خبر وفاتش داده شد؛ تندرست و سالم بود، حضرت همگان را در مسجد طلبد بالای منبر رفته خبر وفاتش را به مردم داد. سپس فرمود: خدا را به والی بعد از خود بیاد می آورم، از اینکه به جماعت مسلمین رحم کند، بزرگ شان را احترام کند و به ضعیفان شان رحم کند... به آنها زیان نرساند تا خوارشان کند و نیازمندان سازد تا از دینشان برگردد، «و لم یفقرهم فیکفرهم». علی (ع) فرمودند: «الفقر طرف من الکفر» (همان، ج ۷۸: ۱۲)؛ یعنی، فقر طرفی از کفر است، انسان که فقیر است؛ طبعاً زمینه برای آموزش دینی و پرورش فکری نداشته و چه بسا تنگناهای زندگی، او را به اعتراض به نظام آفرینش و خدای سبحان وادار کند.

در زمینه های اجتماعی، فقر ممکن است باعث شود جامعه و کشوری برای تأمین نیازهای مادی خود به کفار رو آورد و آنها نیز مسلماً در مقابل کمک

های مادی، دین و فرهنگ آن جامعه را منی گیرند.

ب- فقر موجب ضعف و نقصان در دین می شود:

امام علی (ع) به فرزندش محمد حنفیه فرموده است: «ای فرزندم همانا بر تو از فقر می ترسم، پس؛ از آن به خدا پناه ببر، زیرا فقر کمبود برای دین است (علی (ع)). ۱۳۷۴ ش. کلمات قصار (۳۱۹). انسانی که فقیر است همیشه این احتمال وجود دارد که حداقل برای رفع فقر و تنگ دستی به کارهای خلاف دست زند، یا کسی وی را به مبلغ اندک خریده و به کارهای ناشایسته وادارد. چنانکه آمار جرایم در دنیا نشان داده است؛ منشأ بسیاری از جرایم و گناهان؛ فقر مادی و تنگ دستی مرتکبین است. کسی که فقیر است اعمال و عبادت های دینی را نیز ممکن است به درستی انجام ندهد (شاکر، ۱۳۷۶: ۱۶۹).

چه بسا این بی عدالتی ها را به خدا نسبت دهد و یقین او به شک مبدل گردد. در واقع اثر دوم و سوم فقر که شمرده شد هرکدام مقدمه اثر اول می باشد. لذا به این نتیجه می رسیم که: از نظر منابع اصلی دین، پدیده فقر، امری نامطلوب و مذمت شده و زمینه ساز سست شدن باورهای دینی است، که در نهایت منجر به کفر و خارج شدن مردم از دین می شود.

بنابراین خود پدیده فقر سبب رویگردانی مردم از باورهای دینی می شود.

۲- فقر و مشکلات معیشتی در ایران امروز

در میان علل و عوامل پیدایش بزهکاری و ارتکاب انحرافات اجتماعی، عامل فقر و مشکلات معیشتی و اقتصادی از جایگاه ویژه ای برخورداراند. عدم

از نظر منابع اصلی دین، پدیده فقر، امری نامطلوب و مذمت شده و زمینه ساز سست شدن باورهای دینی است، که در نهایت منجر به کفر و خارج شدن مردم از دین می شود.

پ- فقر موجب ضعف یقین می شود: در حدیثی امام علی (ع) فرمود: «کسی که مبتلا به فقر شد مبتلا به ضعف یقین نیز می شود» کسی که فقیر است با دیدن اینکه او در جامعه خود کمترین امکانات زندگی را ندارد؛ در حالی که عده ای دیگر از همه وسائل زندگی در حد وفور برخوردارند و عدالت در جامعه اجرا نمی گردد، دیگر یقینی به وجود عدالت نمی یابد.

بضاعت مالی مکفی خانواده ها و ناتوانی در پاسخگویی به نیازهای طبیعی و ضروری مانند فراهم ساختن امکان ادامه تحصیل حتی در مقطع متوسطه، تأمین پوشاک مناسب، متنوع و متناسب با سلیقه و روحیه آنان و غیره؛ زمینه ساز بروز دل زدگی، سرخوردگی، ناراحتی های روحی، دل مشغولی، افسردگی و انزوا طلبی را در فرزندان فراهم می

سازد.

این امر موجب می شود تا این افراد برای التیام ناراحتی های ناشی از مشکلات خود به شکل مستقیم و یا غیرمستقیم، به اقداماتی دست بزنند و خود درصدد حل مشکل خویش برآیند. در نتیجه، بسیاری از این افراد برای رهایی از بند گرفتاری ها، دست به ارتکاب اعمال ناشایست می زنند.

از سوی دیگر، امروزه فشارها و مشکلات اقتصادی؛ احتمال دو شغله بودن یا اشتغال نان آوران خانواده در مشاغل کاذب یا غیر مجاز را افزایش داده است. همین مسئله منجر به کم توجهی آنان نسبت به نیازهای جوانان، رفع مشکلات روحی و روانی و تربیت صحیح و شایسته آن ها گردیده است. در این زمینه، انعکاس شرایط افسانه ای برخی زندگی ها و نمایش فاصله های طبقاتی توسط رسانه ها؛ نقش مؤثری در افزایش این مشکلات دارد.

در یک پژوهش صورت گرفته در استان قم در ارتباط با علل و عوامل سرقت در میان جوانان قمی، سارقان مورد مطالعه چنین پاسخ داده اند: «اگر شغل مناسبی داشتم»؛ «اگر از نظر مالی بی نیاز بودم» و «اگر مسکن مناسبی داشتم» دست به سرقت نمی زدیم (فولادی، ۱۳۸۲: ۱۷۴).

از سوی دیگر، بر اساس یافته های همین پژوهش، حدود ۴۷ درصد افراد یا بیکارند و یا فاقد درآمد. در این پژوهش حدود ۶۹ درصد افراد سارق و خانواده های ایشان، زیر خط فقر قرار دارند! در حالی که، به گزارش بانک جهانی میانگین شهروندان ایرانی که زیر خط فقر زندگی می کنند از ۴۷ درصد در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۸) به ۱۶ درصد در سال ۱۳۷۸

(۱۹۹۹) کاهش یافته است (هفته نامه خبری علمی برنامه، ۱۳۸۲: ۴).

علاوه بر این، پژوهش های نظری نیز مؤید این دیدگاه است که فقر زمینه ساز بسیاری از معضلات اجتماعی است. برای نمونه، از نظر مرتون هنگامی که افراد نتوانند وسایل لازم را برای رسیدن به هدف های مورد نظر در اختیار داشته باشند و یا جامعه در اختیار ایشان قرار ندهد، و هدف اصلی فراموش شود، افراد اهداف و آرمان های مورد نظر جامعه را نمی توانند با پیروی از راه های مجاز و نهادی شده تعقیب کنند، از این رو، دزدی، فریب کاری، فساد، رشاء و ارتشاء و ارتکاب انواع جرایم در جامعه افزایش می یابد (گیدنز، ۱۳۷۳: ۱۴۰).

۴ - تعریف آسیب های اجتماعی و جایگاه آن در ایران
ابتدا لازم است آسیب های اجتماعی از مشکلات اجتماعی و جرم تفکیک شوند. آسیب اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی رسمی یا غیر رسمی جامعه محل فعالیت کنش گران؛ قرار نمی گیرد و در نتیجه با

جدول شماره ۱

مشکل اجتماعی
(Social Problem)

آسیب اجتماعی
(Social Pathology)

جرم (Crime)

منع قانونی، تعقیب قانونی، قبح اجتماعی، تکفیر اخلاقی و طرد اجتماعی مواجه می شوند (عبداللهی، ۱۳۸۳، ص ۱۸).

آسیب های اجتماعی پدیده هایی متنوع، نسبی و متغیر اند. لیکن با وجود برخورداری از تنوع و نسبییت، پدیده هایی واقعی و قانونمند هستند. جهل نسبت به آن ها نافی آن ها نیست. قانونمند بودن آسیب ها؛ کنترل پذیری آن ها را ممکن می سازد. بنابراین، آسیب های اجتماعی قابل درمان و پیشگیری اند. خوشبختانه در ایران امروز، اکثریت مردم از آسیب های اجتماعی عمده در کشور نظیر اعتیاد و قاچاق مواد مخدر، پرخاشگری، خودکشی، بی بند و باری در روابط جنسی، دزدی و ... آگاه و از گسترش روزافزون آن ها بیمناکند. این امر وظیفه دولت را در مقابله صحیح با آسیب ها سنگین تر می سازد.

در گونه شناسی آسیب های اجتماعی؛ از ملاک های متفاوتی می توان استفاده کرد. یکی از این معیارها انگیزه مورد توجه در کجروی است. با توجه به اینکه در هر جامعه ای حداقل چهار خرده نظام فرهنگی وجود دارد، کنشگران فردی و

- وقایع، رفتارها یا فرآیندهایی که به حدی برسد که مستقیم یا غیر مستقیم در ساختار یا عملکرد عادی جامعه اختلال ایجاد کند. ملاک تشخیص اختلال؛ تعداد قابل توجهی از افراد هستند.
- انحراف از وضعیت «آرامی» جامعه

- ناهمخوانی یا انحراف از ارزش ها و یا ناهنجاری جامعه

- رفتار خلاف قوانین و مقررات

- آسیب های فردی؛ مانند: اعتیاد، خودکشی
- آسیب های خانواده؛ مانند: همسر آزاری، کودک آزاری، طلاق
- آسیب های اقتصادی؛ مانند: رشوه، اختلاس
- آسیب های فرهنگی؛ مانند: تهاجم فرهنگی

انواع آسیب های اجتماعی

جمعیتی می‌توانند با رعایت اصول و قواعد عمل جمعی؛ به سرمایه فرهنگی یا دانش، سرمایه اجتماعی یا تعهد و منزلت، سرمایه سیاسی یا قدرت و سرمایه اقتصادی یا ثروت مورد نیاز هر جامعه دست یابند. هر نوع فعالیتی که خارج از چارچوب اصول و قواعد عام عمل جمعی هر حوزه صورت گیرد؛ کجروی محسوب می‌شود. بنابراین، در مجموع با چهار نوع کجروی از هنجارهای اصلی یعنی فرهنگ، اجتماع، سیاست و اقتصاد مواجه ایم.

در یک تقسیم بندی کلی آسیب ها به سه دسته تقسیم بندی می شوند (معمودی، ۱۳۸۶: ۲۳۷-۲۳۰):

الف- مسائل و آسیب ها اجتماعی: بیکاری، اعتیاد و قاچاق مواد مخدر، روسپیگری، کودکان خیابانی، نکدی گری و فقر از مهمترین این مشکلات هستند.

ب- مسائل و آسیب ها مرتبط با خانواده: طلاق، کودک آزاری، فرار از خانه، جزو این دسته می باشند.

پ- سایر مسائل و آسیب ها: خودکشی، جرایم مالی، اقتصادی، سرقت، آوارگی، مهاجرت، بیوگی، زندان، فرار مغزها، ترک تحصیل، نمونه هایی از آسیب های اجتماعی جامعه امروزی ایران اند که کم و کیف آنها بر حسب زمان و مکان یعنی حال نسبت به گذشته و شهرها نسبت به روستاها تغییر می کنند بنابراین، آن چه امروزه در یک جامعه خاص آسیب یا کجروی تلقی می شود ممکن است فردا در همین جامعه و یا همین امروز ولسی در جامعه ای دیگر آسیب یا کجروی شناخته نشود.

ه- مشکلات مربوط به تفسیر پژوهش در زمینه انحراف و شرایط اقتصادی

در مورد تفسیر این پژوهش شش مشکل عمده وجود دارد که تمامی نتایج ناسازگاری و تناقض بررسی شده در بخش ۶ بوجود می آورد (شجاعی، ۱۳۸۰: ۱۶۹-۱۶۰).

فقر به عنوان یک

پدیده اجتماعی چه در گذشته و چه امروز، به وجود آورنده بسیاری از مسائل و مشکلات اجتماعی بوده است

ث- محل های با آسیب پذیری بالا معمولاً دارای توده انبوهی از عوامل اند که ممکن است علت جرم باشند. همانند فقر، بیکاری، نرخ های بالای طلاق و خانواده های تک والدینی، فشرده گی بالای جمعیت و ... در نهایت تعیین این مسأله که کدام عامل واقعاً جرم را به وجود می آورد.

ج- تمییز نهادن میان مفاهیم فقر و نابرابری اقتصادی به شکل درست ضرورت دارد.

۶- تأثیر فقر در افزایش آسیب های اجتماعی نخست به بررسی برخی از دیدگاه ها پیرامون آثار اجتماعی آسیب اجتماعی می پردازیم و آنگاه رابطه همبستگی مثبت و یا منفی دو پدیده فقر و آسیب اجتماعی را مورد بررسی قرار می دهیم:

۱- نظریه مکتب سوسیالیسم: نظریه پردازان این مکتب برای وضع اقتصادی نهایت اهمیت را قائل و معتقداند ریشه کلیه انحرافات را باید در فقر و یا به عبارت صحیح تر در وضع نابسامان اقتصاد سرمایه داری جستجو کرد. آنان معتقد بودند که بی عدالتی در توزیع ثروت موجب و منشأ کلیه انحرافات بوده و حتی وجود آسیب های اجتماعی در جوامع سرمایه داری عکس العمل همین بی عدالتی هاست. در جوامع اشتراکی که توزیع ثروت بر مبنای صحیح و عادلانه قرار گرفته باشد، آسیب اجتماعی هم به خودی خود از میان خواهد رفت (محسنی، ج ۱: ۹۶ و ۲۱۷). اینان برای اثبات ادعای خویش از آمار استمداد جسته اند. به ادعای آنان آمارهای انتشار یافته تا حد زیادی صحت این ادعا را ثابت می نماید. از جمله آمارهای مربوط به باویر در کشور آلمان نشان می دهد که ترقی قیمت

الف- فقر همیشه تا اندازه ای یک حالت ذهنی نسبت به آنچه دیگران دارند می باشد؛ نه بودن یا نبودن میزان معینی از اموال یا دیگر سنجش های ثروت.

ب- دو فرض نظری متضاد وجود دارد. فرض نخست این است که این ارتباط، بر عکس است، یعنی هنگامی که شرایط اقتصادی خوب است، میزان جرم باید پایین باشد و هنگامی که شرایط اقتصادی بد است، جرم باید بالا باشد. دومین فرض نظری این است که رابطه میان انحراف و شرایط اقتصادی مستقیم یا مثبت است.

پ- مشخص کردن میزان زمان پیش از دگرگونی های شرایط اقتصادی که گفته می شود بر انحراف تأثیر دارند.

ت- تعیین اندازه واحدی که عوامل اقتصادی در آن تأثیر گذارند.

ها در سال‌های ۱۸۳۰ تا ۱۸۶۱ معمولاً با ازدیاد جرایم توأم بوده است. و نیز مقارن با ایام بیکاری در سال‌های ۱۹۲۶ تا ۱۹۳۴ تعداد جرایم؛ خاصه جرایم مالی و سرقت افزایش یافته است (مارکس، ۱۹۶۷: ۲۴).

در بررسی این دیدگاه می‌توان گفت: اولاً آمار ادعایی ثابت نمی‌کند که فقر تنها علت بزهکاری است و رابطه‌ای ژرف؛ بین بزهکاری و سرمایه‌داری وجود دارد. بلکه آنچه را که آمار به اثبات می‌رساند این است که یکی از عوامل انحراف؛ فقر است. ثانیاً؛ مدعیان باید به علاوه به اثبات رسانند که در جوامع سوسیالیستی اثری از تبهکاری نیست و پر واضح است که اثبات چنین امری غیر ممکن است بلکه هم اکنون تبهکاری در پیشرفته‌ترین کشورهای سوسیالیست پابرجاست، اگر چه کشورهای سرمایه‌داری نیز از آسیب اجتماعی رنج می‌برند و نرخ تبهکاری در هر دو رژیم تأسف برانگیز است. ثالثاً؛ اگر چه این نظریه در تأثیر وضع اقتصادی در میزان بزهکاری بخشی از حقیقت را بازگو کرده است ولی هرگز انحرافات در یک جامعه منحصر به جرایم مالی نیست. جرایم غیر مالی همچون جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی ممکن است ریشه در مسائل تربیتی و نیز محیط اجتماعی داشته باشند. رابعاً؛ بسیاری از تأثیرهای فقر، تأثیری غیر مستقیم است. می‌توان گفت فقر موجب می‌شود که افراد در شرایط بد محیطی و در محله‌های کثیف و فقیرنشین زندگی کرده و نتوانند فرزندان‌شان را آن طور که باید و شاید از تعلیم و تربیت صحیح بهره‌مند نمایند و همین عدم تعلیم و تربیت صحیح است که آنان را به سوی انحرافات سوق می‌دهد.

۲ - نظریه مکتب تحقیق: آنریکو فری

یکی از مؤسسان مکتب تحقیق به بیان رابطه علیت در مورد بزهکاری پرداخت. به نظری و وقوع هر جرم نتیجه انحصاری یکی از عوامل انسانی، اجتماعی یا اقلیمی نیست. درست است که هنگام ارتکاب هر بزه خاص یکی از این عوامل بر عوامل دیگر فزونی و برتری دارد ولی امتزاج و ترکیب هر سه عامل برای ارتکاب بزه ضروری است.

بهبود وضع اجتماعی و وضع اقتصادی موجب می‌شود که آسیب اجتماعی به مقدار زیادی کاهش یابد

با توجه به همین اعتقاد به تأثیر عوامل اقتصادی است که در تنظیم سیاست‌های اقتصادی در مورد پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به مسائل اقتصادی توجه نموده و با تذکار به آنکه یکی از علل مهم وقوع آسیب‌ها، علل خارجی است، تصریح نموده‌اند که بهبود وضع اجتماعی و وضع اقتصادی موجب می‌شود که آسیب اجتماعی به مقدار زیادی کاهش یابد. این مکتب پیشنهاد می‌کند برای کم کردن آسیب‌ها بهتر است به جای مجازات کردن مجرمان با تحول در وضع اقتصادی و اجتماعی جامعه موجبات ارتکاب جرم را از بین برد؛ چه همان طور که آنریکو فری گفته: «برای دفاع در قبال بزهکاری و اعتلاء سطح اخلاقی مردم، کوچکترین پیشرفت در وسایل و اقدامات جلوگیری از جرایم؛

هزار بار بیش از تدوین یک دوره قانون جزا ارزش دارد». (آنریکو فری، به نقل از محسنی: ۲۱۵ و ۲۵۹)

۶-۱ - همبستگی مثبت بین فقر و افزایش انحراف
برای تبیین تأثیر فقر بر افزایش انحراف و به تعبیری اثبات وجود رابطه همبستگی بین آن دو پدیده؛ باید همبستگی بین نوسانات اقتصادی و تغییرات تبهکاری را مورد بررسی قرار داد تا روشن گردد که آیا همبستگی مثبت بین آن دو برقرار است یا همبستگی منفی؟

در وجود یک همبستگی مثبت بین بحران‌های اقتصادی و افزایش بعضی از گونه‌های تبهکاری مانند: روسپیگری، سرقت، الکلیسم (در روسیه و کشورهای باختری) تردیدی نیست و آمارها نیز اغلب آن را تأیید کرده است. بحران‌های اقتصادی با تأثیرگذاری بر تغییرات مواد مصرفی و ضروری اولیه، تغییرات قدرت خرید و افزایش بیکاری بر تبهکاری و بزهکاری می‌افزایند. این همبستگی به آسانی قابل توجیه است. بحران‌های اقتصادی ناگهان تعدادی از اشخاص را از استقلال اقتصادی و حتی از ثروت محروم و دچار وابستگی و فقر می‌سازند. تعداد این اشخاص بستگی به شدت بحران دارد. هر قدر بحران شدیدتر باشد، تعداد بیشتری از اشخاص دچار چنین مشکلاتی می‌شوند. در میان این عده؛ بعضی به دلیل نداشتن تربیت صحیح دینی و حتی اجتماعی در مقابل وسوسه‌های شیطانی به اندازه‌ای ضعیف هستند که یارای مقاومت با آنها را ندارند و نمی‌توانند خود را با اوضاع و احوال نوینی که برای آنان به وجود آمده است؛ تطبیق دهند بلکه عنان قدرت

را از دست می‌دهند و برای چاره‌جویی به انحرافات چون سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت، ولگردی و مانند آن روی می‌آورند. از طرف دیگر قطعی و گرسنگی و آینده مبهم؛ اشخاص را به نومییدی سوق می‌دهد و باعث می‌شود که در نومییدی دست به شورش، ضرب، جرح و اهانت نسبت به نمایندگان قدرت عمومی و حافظان نظم از جمله نظم اقتصادی بزنند (کی نیا، ۱۳۷۰: ۱۸۷). این توجیه را به نیکی می‌توان از سخنان گراندقدر پیامبر خدا (ص) که فرمودند «الفقر سواد الوجه فی الدارین» و «الفقر کاد ان یكون کفراً» استنباط کرد.

افزون بر این، نباید تأثیرات غیر مستقیم فقر بر انحراف را نادیده انگاشت. فقر موجب می‌شود افراد در شرایط بسیار نامناسب و در محله‌های کثیف و غیر بهداشتی، پرجمعیت و فقیرنشین زندگی نمایند. از آن گذشته بحران‌های سخت اقتصادی موجب می‌شود که افراد ضعیف‌النفس و کسانی که قبلاً به علت تعلیم و تربیت غلط آمادگی ارتکاب اعمال ضد اجتماعی را داشته‌اند از موقعیت سوء استفاده نموده، به بهانه وضع بد اقتصادی خویش یا زیاده‌ی ثروت دیگران به ارتکاب سرقت و بزه‌های

جدول شماره ۲

شرایط و عوامل سطح خرد:

- ۱- ویژگی‌های جسمی-روانی افراد
- ۲- ویژگی‌های نظام شخصیتی افراد
- ۳- ویژگی‌های موقعیتی و تاملانی افراد

شرایط و عوامل سطح میانه:

- ۱- نارسایی ساختاری و کارکردی نهادهای رسمی
- ۲- نارسایی ساختاری و کارکردی نهادهای غیر رسمی
- ۳- نارسایی ساختاری و کارکردی نهادهای مستقل مدنی در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی

شرایط و عوامل سطح کلان:

در حوزه‌های فرهنگ، سیاست، توازن و تعادل منطقی بین خرده نظام‌های جامعه و محیط طبیعی در حوزه اقتصاد که شامل بیکاری، نابرابری در توزیع ثروت و فقر است.

اجتماعی و نرخ بیکاری هیچ گونه ارتباط نظام مندی وجود دارد یا خیر؟ ولی از همان ابتدا درباره یافته‌ها و بحث در این مورد که آیا نتیجه‌گیری‌های ترسیم شده توجیه می‌شوند یا خیر؛ اختلاف نظر بوده است. پژوهش‌های بی شماری در مورد ارتباط میان انحراف و شرایط اقتصادی وجود دارد. شمار فراوانی از این پژوهش‌ها با یکدیگر ناسازگارند و به نتیجه‌گیری‌های متناقضی درباره ارتباط بین این دو پدیده منجر شدند. در اینجا مختصری از این پژوهش‌ها ارائه می‌شود. کتله و گری پیشگامان این تحقیقات بودند. آن دو با فراهم شدن آمار ملی جرم در اوایل دهه ۱۸۰۰ در فرانسه، متوجه شدند که در ثروتمندترین مناطق فرانسه جرم علیه اموال بیش تر و جرم خشونت بار کمتری دارند. آنها نتیجه‌گیری کردند که سطوح بالاتر انحراف علیه اموال و مالکیت؛ معلول فرصت است.

همواره این تصور وجود داشته که در دوران رکود اقتصادی هنگامی که مردمان فقیر بیش تری وجود دارند، جرم بیشتر و در دوران بالندگی اقتصادی جرم کمتری وجود خواهد داشت. بیشتر این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در دوران بی رونقی و رکود اقتصادی؛ نرخ‌های کلی جرم فزونی نمی‌یابد (لانگ و وایت، ۱۹۷۳: ۷۴).

چو در سال ۱۹۷۰ با استفاده از آمار؛ در یافت که در صد افراد زیر خط فقر در ۴۹ شهر از بزرگترین شهرهای ایالات متحده آمریکا با هیچ یک از هفت جرم شاخص گزارش شده توسط اف. بی. آی همبسته نیست (چو، ۱۹۶۷: ۳۲۴).

به عکس، اریش دریافت که بین نرخ‌های جرم علیه اموال کشور در سال‌های

دیگر مبادرت ورزند. اگر چه این تأثیر نیز ناشی از ضعف تربیت کجروان است؛ زیرا تردیدی نیست که بسیاری از افراد با کمال فقر و در عین حال در نهایت شرافت زندگی نموده و هرگز گرد اعمال خلاف نگشته‌اند، ولی به هر حال واقعیتی است که نمی‌توان آن را از نظر دور داشت (قربانیان، ۱۳۸۰: ۴۷).

۲-۶- پژوهش‌های متناقض

پیش از پرداختن به بیان پژوهش‌های انجام شده؛ لازم است شرایط و عوامل زمینه ساز انحراف شناسایی و دسته بندی شوند. در یک دسته بندی کلی سه عامل سطح خرد، میانی و کلان شناسایی گردیده اند.

اگر جرم معلول فقر است، که با منطق نیز جور در می‌آید، در آن صورت در مکان‌ها و زمان‌هایی که فقیران بیشتری وجود دارند، باید جرم بیشتری وجود داشته باشد. از این رو، این پژوهش‌ها دوران بحران اقتصادی را با دوران رونق اقتصادی و نواحی ثروتمند یک کشور را با نواحی فقیر آن مقایسه نموده اند تا ببینند آیا تفاوت‌های نظام مندی در نرخ‌های انحراف شان وجود دارد یا خیر. پژوهش‌های بعدی به این مسأله توجه نمودند که آیا بین نرخ آسیب‌های

۶۰-۱۹۴۰ و درصد خانوارهایی که درآمدی کم تر از نصف میانگین داشته‌اند، ارتباط مثبتی وجود دارد (اریش، ۱۹۷۳: ۲۲). حتی نتایج قوی تری توسط لافتین و هیل به دست آمد (لافتین، ۱۹۷۴: ۳۴).

۷- جایگاه قاعده اضطراب (نگاه حقوق به افزایش آسیب های اجتماعی)

در اینجا موضوع را از منظر حقوقی در باره تأثیر فقر بر افزایش آسیب های اجتماعی بررسی می کنیم. پرسش اساسی در این است که اگر فردی بر اثر فقر مضطر شود که مال دیگری را بر باید یا به سمت روسپیکری گرایش پیدا کند؛ به عبارت دیگر به انحراف متمایل شود؛ آیا از لحاظ حقوقی می توان وی را مسئول شمرد؟ پرسش دیگر اینکه حمایت های قانونگذار از شخص مضطر تا چه حیطة ای از آسیب های اجتماعی را در بر گرفته است؟

اضطراب در لغت: مصدر باب افتعال از ریشه «ضرر» است. در کتاب های لغت آمده است: «اضطراب: الاحتیاج الی شیء و الاجزاء الیه» (ابن منظور، بی تا، ج: ۶، ۴۱۳۵) یعنی، اضطراب احتیاج پیدا کردن به چیزی و ناچار شدن به آن چیز است. اضطراب از نظر فقهی از موارد اباحه محرمات و تحریم واجبات به شمار می رود؛ مگر در مورد دماء یا خون (لاتقیه فی الدماء) و به طور معمول با حالت ضرورت به شکل مترادف به کار برده شده است (عبداللهی علی بیگ، ۱۳۸۲: ۸۴).

در اصطلاح حالت ضرورت که می توان با تسامح از آن به اضطراب نیز تعبیر کرد؛ زمانی ایجاد می شود که شخص در معرض خطری شدید قرار گیرد و این خطر او را به طور مشخص تهدید کند. در چنین وضعیتی امکان دارد این فرد به حکم ضرورت از روی عمد

مرتکب عمل مجرمانه ای شود تا خود از این خطر رهایی یابد و یا دیگری را از آن نجات دهد. ماده ۵۵ قانون مجازات اسلامی ضرورت را این چنین تعریف کرده است: «هر کس هنگام بروز خطر شدید از قبیل آتش سوزی، سیل و توفان به منظور نجات جان یا مال خود یا دیگری مرتکب جرمی شود؛ مجازات نخواهد شد مشروط به اینکه خطر را عمداً ایجاد نکرده و عمل ارتكابی نیز با خطر موجود متناسب بوده و برای رفع آن ضرورت داشته باشد».

همان طور که از ظاهر قانون نیز برمی آید اضطراب با تحقق کامل شرایط مذکور، توجیه کننده جرم مرتکب خواهد بود. البته همان طور که از عبارت «از قبیل» نیز بر می آید موارد وضعیت اضطراب آمیز جنبه حصری ندارد و مواردی همچون فقر را نیز در بر می گیرد.

اضطراب در بیشتر نظام های حقوقی دنیا از زمره عوامل موجه جرم (علل عینی عدم مسئولیت کیفری) محسوب می شود.

کاربرد قاعده اضطراب قاعده اضطراب در موارد ذیل به کار می رود (عبداللهی علی بیگ، ۱۳۸۲: ۱۱۴-۱۰۸):

اضطراب به قتل، نجات جان خود، دفاع مشروع، خوردنی یا آشامیدنی حرام، طعام غیر، مردار، مردار آدمی، اعضای انسان زنده، مسکر، معالجه با مسکر، نظر و لمس حرام، تصرف در مال غیر و تشریح میت مسلمان.

در اینجا به جهت ارتباط با موضوع اضطراب ایجاد شده بر اثر فقر را تنها از جهت آسیب های اجتماعی بررسی می کنیم.

الف) اضطراب به روسپیکری: در برداشت ابتدایی به نظر می رسد هر کار حرامی باید به سبب اضطراب حلال

باشد، اما این اطلاق از پاره ای محرمات، انصراف دارد؛ یعنی، محرماتی که شارع نسبت به آنها اهتمام ویژه ای دارد به طوری که در حالت اضطراب هم، راضی به ارتکاب آنها نیست. برخی از این موارد، اضطراب به قتل، روسپیکری و یا زنا است. یعنی اینکه مضطر برای رفع اضطراب از خودش تن به انجام عمل قبیح زنا بدهد و یا اینکه در روایتی امام (ع) می فرماید: «التقیه فی کل شی یضطر الیه ابن آدم فقد أحله الله له»؛ یعنی، تقیه در هر چیزی است که انسان به آن اضطراب پیدا می کند، در این صورت خداوند برای او حلال کرده است (الحر العاملی، ۱۱/۴۸۶) ولی در روایت دیگری امام (ع) فرموده اند: «انما جعلت التقیه لیحقن بها الدم، فاذا بلغت التقیه الدم فلا تقیه»؛ یعنی، منحصرأ تقیه برای جلوگیری از خونریزی تشریح شده است (همان، ۱۱/۴۸۳)، با تنقیح مناط از حکم قتل نفس و زنا به سبب حفظ شرافت و حرمت نفس، می توان گفت تقیه برای جلوگیری از اعمالی چون زنا نیز تشریح شده است زیرا وجوب حفظ نفس هر دو را در بر می گیرد.

ب) اضطراب به طعام غیر (سرقه): اضطراب به طعام غیر، گاهی به صورت تعیینی است، به طوری که اضطراب نسبت به طعام دیگری ایجاد نمی شود؛ و گاهی به صورت تخیری است، بدین صورت که مضطر بین خوردن مال غیر و خوردن مردار و مانند آن مخیر است. در جایی که اضطراب به صورت تخیری باشد؛ در صورتی که مالک غایب باشد یا حاضر باشد و غیره حکم متفاوت است. فقها به تمام این صورت ها پاسخ داده اند (همان، ۳۳/۳۶؛ الزرقانی، ۱۵/۲۵؛ الاربدیلی، ۱۱/۳۷۷).

در قانون مجازات اسلامی اضطراب



تنها در باب سرقت حدی و شرب مسکر بحث شده است و قانونگذار به صورت مطلق اضطرار به سرقت و شرب مسکر را سبب سقوط حد دانسته است (ماده ۱۸۱، بند ۱۲ و ماده ۱۶۷).

پا اضطرار به تصرف در مال غیر شکی نیست که تصرف در مال غیر حرام است و در مورد حکم حرمت فرقی نمی کند که تصرف موجب اتلاف مال غیر شود یا حتی اتلافی صورت نگیرد. همچنین، شکی نیست که حفظ نفس محترم واجب است. بنابراین، اگر نفسی در شرف هلاکت قرار گرفت و نجات آن بر تصرف در مال غیر توقف داشت؛ در این صورت اگر صاحب مال اذن در تصرف بدهد، مشکلی وجود ندارد؛ ولی اگر صاحب مال اذن ندهد یا غایب باشد و طبق آنچه گفته شد نجات نفس بر تصرف در این مال متوقف باشد، در این صورت بین حرمت تصرف در مال غیر و بین وجوب نجات نفس محترم، تزامم به وجود می آید. در این تزامم، اگر نفس محترم حفظ می شود ولی تصرف موجب اتلاف مال مالک نباشد، حفظ نفس ترجیح دارد؛ مثل اینکه نجات نفس بر تصرف ملک توسط فرد بی خانمانی متوقف باشد. ولی اگر نجات نفس باعث اتلاف مال غیر شود، اجمال آن این است که حفظ نفس واجب است و تلف کننده مال غیر، ضامن است (همان، ۱۵۳/۴۳).

نتایج و راهکارها

فقر به تنهایی ممکن است آسیبی به جامعه وارد نکند، چنانکه بسیاری از مردم به ویژه روستائیان با وجود دارا بودن سطح پایینی از زندگی کمتر دست به هر گونه جنایت و جرمی می زنند. فقر آنگاه مخربتر خواهد بود که در مقابل آن

آرزوهای بلند پروازانه ارائه شود، در آن صورت است که فقر غیر قابل تحمل خواهد بود. میل به زیاد خرج کردن بزه آفرین است. افزون بر این، فرآیند تبدیل ثروت به ارزش جریان تهدیدآمیز و خطرناکی برای جامعه است. فرآیندی که ثروت را به یک چیز خوب یعنی یک ارزش مثبت و فقر را به یک ارزش منفی تبدیل می کند (قربانیان، ناصر، ۱۳۸۰: ۵۴).

وقتی ثروت در جامعه به نمایش گذاشته شد و با تغییر الگوی مصرف و در حقیقت ترویج تجمل گرایی، برای مردم نیازمند، نیاز آفرینی شد به نتایج

چنین نیست که هر کسی که این نیاز شدید را داشت به دزدی بپردازد. کاهش کنترل درونی و نیز بیرونی و همچنین اعمال و یا عدم به کارگیری سیاست جنایی مناسب دیگر حائز اهمیت شایان هستند. به طور خلاصه می توان گفت: هر گاه ثروت با ارزش شود، و از یک سوی در انسان ها نیاز به انواع کالا به وجود آید و از دیگر سوی همزمان درآمدشان کاهش یابد و در نتیجه انسان ها به شدت خود را نیازمند ثروت احساس کنند و از طرف دیگر امکانات کافی برایشان فراهم نباشد و همه راه های مشروع را به روی

فرآیند تبدیل ثروت به ارزش جریان تهدیدآمیز و خطرناکی برای جامعه است. فرآیندی که ثروت را به یک چیز خوب یعنی یک ارزش مثبت و فقر را به یک ارزش منفی تبدیل می کند

زیانباری منتهی خواهد شد؛ چه آنکه . وانگهی وقتی انسانی با تغییر ارزشها و ارزشمند شدن پول، خود را شدیداً نیازمند به پول احساس کند و امکان افزایش درآمد برایش موجود نباشد و راه های مشروع را نیز پیش روی خود باز نبیند چه بسا به راه های نامشروع توسل جوید. روشن است که روی آوردن به ابزار و طرق نامشروع، به شرایط دیگری نیز نیاز دارد. عواملی چون نیاز زیاد، درآمد کم، احساس بی عدالتی و محرومیت نسبی تنها عوامل تحریک کننده ای هستند که ممکن است انسان را به راههای نامشروع تحصیل درآمد بکشاند، ولی خویش مسدود ببینند و همچنین سیستم کنترل درونی آنان یعنی مذهب و ارزش های ایمانی و نیز سیستم کنترل بیرونی تضعیف شود، آنان برای ارضاء نیازهای شان به راه های نامشروع روی خواهند آورد. بدیهی است هر کس به تناسب پایبندیها و سیستم کنترل درونی اش دست به کارهای نامشروع با درجه نامشروعیت متفاوت می زند، کمترین ساده ترین و در عین حال متداول ترین کارها که درجه نامشروعیت آن را کم می پندارند، استفاده از اموال دولتی برای مصارف خصوصی است، عده ای به گدایی روی می آورند، تعدادی که امکان

اختلاس و ارتشاء برایشان فراهم است به آن بزه‌ها دست می‌یازند، عده‌ای که از کنترل کمتری برخوردارند به قاچاق، سرقت و اعمال منافی عفت مبادرت می‌ورزند. به هر حال تردیدی نیست که به منظور پیشگیری از این همه عواقب سوء باید با فرآیند ارزش شدن ثروت مقابله نمود، مردم را به زندگی اقتصادی صحیح رهنمون شد و آنان را از تجمل‌گرایی و افزون‌طلبی و احساس نیازهای کاذب برحذر داشت

۲- اگر چه بسیاری از افراد در سایه استعدادی که دارند و نیز در نتیجه تربیت اخلاقی، در برابر هر گونه فشار اجتماعی مقاومت می‌کنند و هرگز مرتکب جرم نمی‌شوند، ولی به هیچ روی نمی‌توان تأثیر شگرف عوامل محیطی به ویژه اوضاع اقتصادی را در ارتکاب جرم نادیده انگاشت. بدون تردید فقر یکی از عواملی است که به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر ارتکاب جرم تأثیر می‌گذارد، بنابراین هر دولتی به خصوص دولت دینی باید فقرزدایی را در زمره اهداف جدی خود قرار دهد، به طور شایسته‌ای با این پدیده شوم مبارزه کند. جامعه دینی، جامعه‌ای است بدون فقر. شایان ذکر است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیشگیری از وقوع جرم مورد توجه قرار گرفته است؛ در بند ۵ اصل ۱۵۶ این قانون اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین یکی از وظایف قوه قضائیه محسوب شده است و هر چند رفع فقر از وظایف قوه مزبور نیست، ولی موظف است با تأمین امنیت اقتصادی زمینه مساعد را برای آن فراهم آورد.

۳- در صورت وجود بحران اقتصادی، به نوعی که رفع فقر به طور کلی میسر نباشد، ضروری است

سیاست مناسبی برای جلوگیری از تأثیرگذاری این علت مهم اعمال گردد، که در این راه مسائل ذیل حائز اهمیت جدی است. الف) دستگیری از فقیران و مستمندان: گذشته از آن که عدالت اجتماعی مقتضی توجه خاص به قشر آسیب‌پذیر جامعه است، به منظور پیشگیری از جرم نیز ضروری است با اعطاء اعانه به بیکاران و مساعدت مالی به نیازمندان و تقویت تأمین اجتماعی؛ از تأثیر فقر جلوگیری شود. در اصل ۴۳ قانون اساسی ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان مورد توجه قرار گرفته است. ■

منابع:

- قرآن مجید.
- ابن منظور، (بی تا). لسان العرب. بیروت. دار المعارف. جلد ۶، ص ۴۱۳۵.
- الاربدیلی (محقق). (۱۴۱۶ ق). مجمع الفایده و البرهان فی شرح ارشاد الازمان، تحقیق اشتهاردی و عراقی و یزدی، چاپ اول، جامعه مدرسین، قم.
- الحر العاملی، الشیخ محمد. (۱۴۲۰ ق). وسایل الشیعه، تصحیح شیخ محمد رازی، مکتبه الاسلامیه، تهران.
- شاکر، محمد کاظم. (۱۳۷۸) فقر و عنا در قرآن و احادیث. چاپ کرور. تهران.
- شیخاوندی، داور. (۱۳۷۸). جامعه شناسی انحرافات. نشر مرنذین، گناباد، چاپ سوم.
- عبداللهی علی بیک، حمیده. (۱۳۸۲). قاعده اضطراب (الضرورات تبیح المحذورات). نشریه مطالعات اسلامی. شماره ۶۳.
- عبداللهی، محمد. (۱۳۸۳). آسیب های اجتماعی و روند تحول آن در ایران. مقالات اولین همایش ملی آسیب های اجتماعی در ایران خرداد ۸۲۸۱. تهران، نشر اکه، جلد اول.
- امام علی (ع). (۱۳۷۴ ش). نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، سید جعفر. تهران. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- فولادی، محمد. (۱۳۸۲). بررسی میزان و عوامل اقتصادی-اجتماعی مرتبط با سرقت در میان جوانان

- شهر قم، قم، سازمان مدیریت و برنامه ریزی.
- قربانیان، ناصر. (۱۳۸۰). نگاهی به فقر از منظر جرم‌شناسی. فصلنامه نامه مفید، شماره ۱۷.
- کی‌نیا، مهدی. (۱۳۷۰). مبانی جرم‌شناسی، جلد ۲. انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- کالبرایت، جان کنت. (۱۳۷۱). ماهیت فقر عمومی. ترجمه عادل، محمد حسین. انتشارات اطلاعات، تهران، چاپ سوم.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳). جامعه شناسی. ترجمه صبوری، منوچهر. تهران. نشر نی.
- النراقی (المحقق)، احمد. (۱۴۱۹ ق). مستند الشیعه، تحقیق و نشر موسسه دار الاحیاء التراث، چاپ اول، مشهد.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۲ ق). بحار الانوار، ج ۲، ص ۷۹، ح ۲۶. بیروت.
- مجموعه قوانین، (۱۳۸۱). قانون مجازات اسلامی، انتشارات دفتر ریاست جمهوری. تهران.
- مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی. (۱۳۷۶). نشر مؤسسه زحل. جلد دوم. سازمان برنامه و بودجه
- محسنی، مرتضی. (۱۳۶۳). کلیات حقوق جزا، انتشارات دانشگاه ملی ایران، ج اول.
- معتمدی، هادی. (۱۳۸۶). اولویت بندی آسیب های و مسائل اجتماعی در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. سال ششم، شماره ۲۴.
- ولد، جرج. برنارد، توماس. اسننپس، جفری. (۱۳۸۰). جرم شناسی نظری. ترجمه شجاعی، علی. تهران. سمت.
- هفته نامه خبری علمی برنامه، شماره ۳۵، ۱۳۸۲/۷/۵.

- Cho, Y. H., (1974) Public Policy and Vrbn Crime, Ballinger, Cambridge, Mass.
- Jacobs, D., (1981) Inequality and Economic Crime, Sociology and Social. Research, 6 oct)
- Ehrlish, Isaac. (1973) Participation in Illegitimate Activities: A Theoretical and Empirical Investigation, Journal of Political Economy, may-June.
- Marx, Karl., Capital. Vol. 1, International, New York, 1967.
- Loftin, Colin and R. H. (1974) Regional Subculture and Homicide, American Sociological Review., P39.
- Long and Witte, (1973), Erik Olin, The Politics of Punishment, Harper & Row, New York.